

# عالم خلقت، مدرسه است!

## سخنرانی حجت‌الاسلام دکتر محمدیان در پانزدهمین دوره همایش سالانه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

در ساختار جدید، با عنوان «دفتر تکنولوژی آموزشی و مواد کمک‌آموزشی»، وظایف دفتر انتشارات کمک‌آموزشی گسترده شده است؛ یعنی علاوه بر نشریات رشد و کتاب‌های کمک‌آموزشی، رسانه‌های دیگر آموزشی مانند محتوای الکترونیکی، تولید محتوا در رسانه‌های مجازی و فیلم‌های آموزشی را هم شامل خواهد شد. ان‌شاءالله در سال‌های آینده بتوانیم این واحدها را به‌طور جامع‌تر ببینیم و نشست‌های عمومی دفتر را با حضور همه اعضا و اجزاء برگزار کنیم.

### سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، یک سند مصوب حقوقی و لازم‌الاجرا!

نکته دیگری که به‌عنوان مقدمه مطرح می‌کنم، بحث سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. سال‌های قبل، زمانی که از سند تحول و یا برنامه درسی صحبت می‌کردیم، بحث از یک سند در فرایند تولید و تصویب بود، اما امروز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به‌عنوان یک سند مصوب حقوقی و لازم‌الاجرا

بسم الله الرحمن الرحيم  
من امروز باید چند جمله‌ای به‌عنوان مقدمه عرض کنم و محور صحبت‌هایم، قدری متفاوت‌تر با سخنان سال‌های گذشته خواهد بود. سال‌های پیش، سخنرانی‌ها بیشتر روی مجلات متمرکز می‌شد، یا به‌عبارت دیگر منحصراً در مورد مجلات سخن می‌گفتیم، اما امسال عرض من مقدمه و مؤخره دیگری خواهد داشت.

### ساختار جدید سازمان و ضرورت‌های پیش‌رو!

در ساختار جدید سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تغییراتی ایجاد شده و ما امروز در سازمان، سه معاونت داریم شامل معاونت پژوهشی (یا همان پژوهشگاه آموزش و پرورش)، معاونت تألیف و تولید محتوا و رسانه‌های آموزشی (شامل دفتر تألیف کتاب‌های نظری و عمومی، دفتر تألیف کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و دفتر تکنولوژی آموزشی و مواد کمک‌آموزشی) و معاونت توسعه منابع و پشتیبانی (که امور پشتیبانی از سازمان را برعهده دارد).

مطرح است.

دکتر احمدی انجام داده بودند، تألیف دو جلد کتاب، تحت عنوان «نظریه اسلامی تعلیم و تربیت» توسط خانم دکتر علم‌الهدی و با پشتیبانی مؤسسه پژوهشی و کار سومی که تحت عنوان «فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی» زیر نظر حضرت آیت‌ا... مصباح یزدی با پشتیبانی سازمان انجام شد.

براساس همین مطالعات، برخی دوستان ما دست به تدوین فلسفه رسمی و فلسفه عمومی تعلیم و تربیت زدند و کارهای قابل اعتنایی هم در این زمینه تولید شده است.

### اسناد تحول هم جای نقد دارد!

البته شاید برخی دوستان بخواهند آنچه را تولید شده است، نقد کنند. زیرا این‌ها سخن معصوم نیستند و حتماً جای نقد و بررسی دارند. این متون، دریافت‌های مطالعاتی و نظری جمعی از صاحب‌نظران است و صاحب‌نظران دیگر می‌توانند از موضع یا موقفی دیگر آن‌ها را نقد کنند. این نقد به روی چشم ماست. این امکان وجود دارد که در فضایی علمی و آکادمیک در این باره بحث و گفت‌وگو کنیم و در کرسی‌های نظریه‌پردازی و نقد و نظر این متون را مورد بحث و نقد قرار دهیم.

امروز نکته مهم این است که ما دارای پشتوانه‌ای متقن و قابل اتکا هستیم و سند تحول بنیادین و سند برنامه درسی ملی براساس همین اسناد پشتیبان تدوین و در مراجع قانونی تصویب شده است.

### در سند تحول بنیادین به دنبال شکوفایی فطرت هستیم

من مانند سال‌های گذشته نکته‌ای را عرض می‌کنم. البته بیان این نکته برای آموزش نیست، برای تذکر است. تذکر هم به معنای یادآوری چیزی است که قبلاً می‌دانسته‌ایم ولی بیم آن را

این سند در هفت فصل تصویب شده و شامل یکصد و سی گزاره و راهکار است که اهداف کلان آموزش و پرورش را شامل می‌شود. از این تعداد گزاره، هشتاد گزاره به‌نوعی مربوط به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است.

شاید تجلی سند تحول بنیادین در همان هدف کلان اول باشد که آموزش و پرورش را مکلف می‌کند تا عهده‌دار تربیت پرورش‌یافتگانی باشد که در شش‌ساحت، به توانمندی‌های موردنظر می‌رسند.

در برنامه درسی ملی هم - که علاوه بر سند تحول بنیادین، به‌عنوان سندی دیگر حاکم بر فعالیت‌های سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی خواهد بود - تکالیفی مستقیم بر عهده سازمان و واحدهای تولیدکننده مواد و رسانه‌های آموزشی است.

### اسناد پشتیبان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

البته پیش از این سند، ما چند سند پشتیبان مانند فلسفه عمومی آموزش و پرورش، فلسفه آموزش و پرورش رسمی و رهنامه آموزش و پرورش تولید کرده‌ایم که آن‌ها هم اسناد پشتیبان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هستند.

خوشبختانه امروز برخلاف دهه‌های گذشته، می‌توانیم ادعا کنیم که نظام تعلیم و تربیت اسلامی، به لحاظ حوزه مطالعات نظری اسناد متقن و مدون، و به لحاظ الگوی عملیاتی نقشه راه دارد.

پیش از این ما همواره با مشکل فقدان فلسفه تعلیم و تربیت یا نظریه اسلامی تعلیم و تربیت روبه‌رو بودیم. به‌همت سازمان دو، سه مورد مطالعه غیررسمی در سال‌های اخیر صورت گرفته است. از جمله، مطالعه‌ای که دکتر خسرو باقری زیر نظر حجت‌الاسلام

داریم که فراموش شود.

ما در رویکرد اصلی برنامه درسی ملی، با توجه به سند تحول بنیادین، به دنبال شکوفایی فطرت هستیم؛ همان استعداد خدادادی که در وجود انسان‌ها قرار داده شده است. انسان شرقی و غربی و شمالی و جنوبی هم نمی‌شناسد و همه را در بر می‌گیرد، مقوم شخصیت‌هاست و چون همه از این فطرت و سرشت برخوردارند، در صورت شکوفا شدن، از برکات آن هم برخوردار خواهند شد. بستر بروز حیات طیبه در انسان، موقوف به فطرت است و باید در این بستر، استعدادهای او شکوفا شوند تا به مراتبی از حیات طیبه یا نفس مطمئنه برسد.

### عناصر پنج‌گانه برنامه درسی ملی

این عناصر در برنامه درسی ملی، در پنج حوزه تفکر، ایمان، علم، عمل و اخلاق دیده شده‌اند که باید در چهار عرصه ارتباط با خود، خدا، خلق و خلقت شکوفا شوند.

شکوفایی این امر در گرو تدوین و تبیین یازده حوزه یادگیری است. این حوزه‌ها کانال‌های ورودی ما به فرایند یاددهی - یادگیری هستند که فضاهای متنوع و بارسانه‌های متعدد باید اتفاق بیفتد. این تکالیف به صورت پلکانی از اینجا گرفته شده‌اند. نگاه ماهوی در اینجا به رسانه‌های متعدد و متنوع از این جهت است که اعتقاد داریم انسان دارای سلايق و علايق متعدد است.

### جهان، صحنه آموزش و تعلیم است؛ اگر هنرمند باشیم!

همه انسان‌ها استعداد دارند اما مراتب آن متعدد است. فضاهای آموزشی را از آن نظر متنوع می‌بینیم که عالم هستی، مدرسه است، خداوند متعال هیچ چیزی را بیپوده خلق نکرده و همه خلقت و

آفرینش، در خدمت انسان و برای عبرت گرفتن و آموختن انسان است. به قول سعدی «هر ورقش دفترى است، معرفت کردگار.» پس، بسته به هنر ما و دریافت متعلم، همه‌جا می‌تواند مدرسه و محل آموختن باشد. پیامبر در صحرا و بیابان هم که می‌رفت، به اطرافیان خود درس و آموزش می‌داد.

امام باقر (ع) از لاشه سگ مرده هم درس اخلاق می‌داد. عیسی مسیح (س) در یک مزرعه آب گرفته نکاتی را تعلیم می‌داد و حضرت ابراهیم (س) با دیدن لاشه یک حیوان افتاده در کنار دریا عبرت می‌گرفت.

با اتکا به این نوع مبانی است که ما می‌گوییم فضا و محیط آموزش نباید محصور در کلاس و مدرسه و باید متنوع باشد و رسانه‌های آموزشی هم باید متنوع و متکثر باشند و از همه امکانات روز، به خصوص فناوری‌های جدید بیشترین استفاده بشود. بسته آموزشی هم از همین نظر مطرح است و ما بر آن تأکید داریم. البته شاید کژتابی‌هایی هم در مورد این مفهوم بوده است، که ما تأکید کرده‌ایم دوستان اگر پیشنهاد دیگری دارند، ارائه کنند. البته اینکه ما می‌گوییم «بسته آموزشی» منظورمان این نیست که این بسته، محصور و ناگشودنی است. نه! آن سوی این بسته باز است. مانند پرانتزی که یک سوی آن بسته ولی سوی دیگری باز است و آن بخش و سوی دیگر، تابعی از تشخیص و خواست و اراده معلم و مبتنی بر نیاز و خواست دانش‌آموز است.

رسانه‌های آموزشی همیشه هم یک مقوله از پیش تعیین شده نیستند و می‌توانند متغیر و متنوع باشند. اما آنچه الزام داریم که در این بسته باشد، کتاب و راهنمای معلم است. دلیل آن هم کاستی‌هایی است که در این زمینه وجود دارد. ما در کار و دانش، مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش و دستگاه مربوطه را داشتیم که کتاب تولید نشود، اما الان رشته کار و دانش ما از همه رشته‌ها

بیشتر کتاب دارد.

من و آقای جعفرآبادی هم همیشه بر سر این موضوع بحث داریم و من می‌بینم که حرف ایشان در مورد کتاب حق است؛ چون استدلال می‌کنند که ما اگر کتاب نداشته باشیم، هم دانش‌آموز و هم خانواده گمان می‌کنند که این درس‌ها جدی نیست و بچه‌ها درس نمی‌خوانند. از آن طرف، معلمان ما هم اگر کتاب نداشته باشند، بلد نیستند درس بدهند.

حالا این مدارس ما هستند؛ شما اگر دقت کنید، دانشگاه‌های ما هم درباره کتاب‌های درسی همین‌گونه هستند. من درس خوانده دانشگاه هستم و تدریس هم کرده‌ام. شما می‌بینید که در یک درس با سرفصل‌های مشترک، یک استاد چهارصد صفحه جزوه می‌دهد و یک استاد دیگر با ده صفحه سر و ته کار را جمع می‌کند. پس معلوم می‌شود که ما هنوز به این توانمندی نرسیده‌ایم که کتاب درسی را کنار بگذاریم.

این بسته آموزشی هم که ما مطرح می‌کنیم، در این دوره گذار، نقش پشتیبان کتاب درسی و معلم را دارد اما در آینده، هر کدام از این اجزا باید در جغرافیای برنامه درسی نقش مناسب و مستقل خود را داشته باشد.

### نقش مجلات رشد چیست؟ آیا مجلات ما کتاب کمک‌آموزشی هستند؟

در زمان مسئولیت آقای حاجی در وزارت آموزش و پرورش، من در سازمان پژوهش مصاحبه‌ای داشتم. موضوع هم این بود که نقش مجلات رشد چیست؟ آیا مجلات ما کتاب کمک‌آموزشی هستند و آیا معلم سؤالی از این مجلات طرح می‌کند تا بچه‌ها این مجلات را بخوانند؟ تصور هم این بود که معلم باید از مجلات رشد سؤال طرح کند تا بچه‌ها این مجلات را بخوانند؛ همان‌طور

که امروز مربیان پرورشی می‌گویند ما باید کلاس رسمی داشته باشیم و احتمالاً اگر کلاس رسمی به آنان داده شود، خواستار کتاب رسمی هم برای ساعات پرورشی خواهند شد. الان یکی از دعوای ما با معاونت پرورشی در سازمان پژوهش این است که می‌گویند برای ما کتاب بنویسید. زمانی هم که ما کتاب تولید نمی‌کنیم، می‌بینیم خودشان می‌روند و جزوه تولید می‌کنند.

ما در این دوره گذار، این بسته آموزشی را برنامه پشتیبان تلقی می‌کنیم، ولی باید به سمت‌وسویی برویم که این اجزا در آینده هر کدام به‌عنوان موضوعی مستقل، بخشی از برنامه درسی را تشکیل دهند و کامل کنند.

برخی سؤال می‌کنند که آیا تولید محتواهای جدید، خودش باعث بوروکراسی بیشتر نخواهد شد.

پاسخ این است که نه! البته این خطر وجود دارد، ولی بحث همین جاست که ما با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح و جامع نباید اجازه بدهیم این امر اتفاق بیفتد.

### در سند تحول، معلم، راهبر آموزشی است

ما باید نقش معلم را به‌عنوان راهبر آموزشی به رسمیت بشناسیم. در برنامه درسی ملی، معلم تنها انتقال‌دهنده مفاهیم آموزشی نیست، بلکه راهنما و راهبر و تسهیل‌گر آموزش است. اصلاً بخشی از محتوا را دانش‌آموز باید تولید کند.

در همین ارتباط و در خصوص تولید محتوای الکترونیکی که جزئی از بسته آموزشی در نظر گرفته شده است، دانش‌آموز باید خودش وارد شود و محتوای الکترونیکی تولید کند. البته ما باید این مراحل را در آموزش و پرورش گام‌به‌گام طی کنیم و طراحی این‌گونه باشد که این بسته باز و همیشه امکان توسعه و تکمیل آن وجود داشته باشد. امسال هم در نوشتن برنامه سازمان خیلی تأکید

داشتیم که به جای تولید کتاب، بسته آموزشی تولید کنیم.

باید این فرهنگ جا بیفتد. چون اگر بسته آموزشی تولید شود، کتاب هم جزئی از آن است. علاوه بر آن، نرم افزار آموزشی تولید می شود و امکان استفاده از فضاهای مجازی فراهم می آید. باید دقت داشته باشیم که همه این تولیدات برای تکمیل بسته آموزشی است. ما وبگاه و شبکه رشد را جزئی از بسته آموزشی می دانیم؛ زیرا بخش مهمی از محیط یادگیری، مجازی است و این خود، جزئی از محیط های متنوع یادگیری است و ما نمی توانیم از آن غافل باشیم.

از سال گذشته که آقای ناصری پیشنهادی را مطرح کردند، تحلیل من این بود که می توان این کار را کرد. پیشنهاد این بود که ما بخشی از محتوای مجلات را در وبگاه قرار دهیم. من گفتم که این کار انجام بشود. البته هدفم این بود که این موضوع مقدمه ای برای تولید مجله الکترونیکی هم باشد.

با توجه به اینکه تهیه و تولید کاغذ بسیار سخت است و توزیع مجلات هم کار آسانی نیست، شاید ما به نقطه ای برسیم که بخواهیم تولید مجله کاغذی را کاهش دهیم.

### **پیش به سوی طراحی کیف الکترونیکی!**

اگر با کج فهمی و فهم غلط روبه رو نباشیم و عده ای گمان نکنند سازمان پژوهش می خواهد همه چیز را قبضه کند و بتوانیم موضوع کیف الکترونیکی را پیاده کنیم، بسیاری از این موضوعات تحقق پیدا می کنند. از جمله مجله الکترونیکی که به راحتی در دسترس همه دانش آموزان قرار خواهد گرفت.

موضوع بسته آموزشی و کیف الکترونیکی باید در مجال گسترده تری مطرح شود. من از دوستان خواهش می کنم که یکی از موضوعات در مجلات «رشد معلم»، «مدیریت مدرسه» و

«مدرسه فردا» همین موضوعات باشد.

انتظار دارم رشد معلم به مسائل مستحدثه نظام معلمی بپردازد. ضمن اینکه باید الگوهای گذشته را معرفی کند، لازم است مسائل مبتلابه معلم امروز را هم مورد توجه قرار دهد. ویژگی های معلم امروز را گوشزد کند و آن ها را برای تدریس در فضای آموزش و پرورش امروز آماده سازد. باید به فکر افزایش توانمندی معلمان در فضاهای مجازی باشد.

این موضوع را هم شما باید در این چند مجله ای که عرض کردم به نظرسنجی بگذارید و از طریق برگزاری میزگردهایی، طرح ها و پیشنهادهای معلمان و مدیران را گردآوری و ارائه کنید تا مورد استفاده برنامه ریزان قرار گیرد. ما و شما ادعا نداریم که همه چیز را از همه کس بهتر می دانیم و از همه زوایای مسائل آموزش و پرورش آگاهییم، نه! این گونه نیست. بنده به عنوان معلمی که از کلاس پنجم ابتدایی به معلمی علاقه مند بوده و تا امروز هم معلمی کرده ام، امروز هم بعد از چهار دهه که در جلسات کارشناسان شرکت می کنم، بدون اغراق می گویم که چیزهایی یاد می گیرم و می آموزم و همیشه به این آموختن نیاز دارم. هیچ جلسه آموزشی نبوده است که در جمع کارشناسان شرکت کنم و چیزی از آنان نیاموزم. اعتقاد دارم کسانی که در سطح ستاد کار می کنند، بیشتر از دیگران محتاج آموختن اند و این معلمان هستند که در صف مقدم تعلیم و تربیت همیشه چیزهایی برای آموختن به دیگران دارند. دلیلش هم این است که آنان هر روز با دانش آموزانی روبه رو می شوند که هر کدام دنیایی جدید است.

### **آموزش و پرورش مترقی باید بتواند برای تفاوت های فردی برنامه ریزی کند**

دانش آموزان مشترکاتی دارند ولی تفاوت های آنان خیلی بیشتر

است و امروز آموزش و پرورش مترقی، آموزش و پرورش‌پوشی نیست که به ویژگی‌های مشترک دانش‌آموزان بپردازد بلکه آموزش و پرورش‌پوشی است که بتواند تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را شناسایی کند و به آن‌ها پاسخ دهد.

فضاهای متنوع یادگیری و رسانه‌های متنوع یادگیری هم از همین لحاظ مورد توجه است. ما در واقع به دنبال همان فلسفه‌ای هستیم که با دنبال کردن کثرتی به یک نقطه وحدت برسد. آقای مجدفر از این موضوع به عنوان نگاه سیستماتیک یا سیستمی نگاه کردن، یاد کردند ولی من برابر فلسفه اسلامی و منظومه فکری خودمان می‌گویم ما کثرات را داریم، ولی باید این کثرات پراکنده به یک نقطه وحدت برسند.

### همه راه‌ها باید به شکوفایی فطرت منتهی شوند

همه این تنوع فضاها و تعدد رسانه‌های آموزشی باید ما را به یک هدف واحد - که با عنوان «شکوفایی فطری» از آن یاد کردیم - برسانند.

و به مصداق این عبارت عرفا که الطریق الی... به عدد انفس الخالیق - که گاهی هم عده‌ای از آن سوء استفاده کرده‌اند - راه‌های شناخت خداوند به تعداد انسان‌ها متفاوت است، راه‌های تعلیم و تربیت هم، به تعداد انسان‌ها و بنا به تفاوت‌های فردی که دارند، می‌تواند متفاوت باشد.

اما حرف این است که این مسیر باید با درایت و برنامه‌ریزی درست ریل‌گذاری شود. زیرا آدم‌ها عمر بی‌نهایت ندارند و جاده زندگی، جاده‌ای دوطرفه نیست که بشود راه رفته را برگشت.

پس آموزش و پرورش باید بتواند بنا به استعدادها متفاوت و متنوع، راه‌های درست و اصولی را پیش‌پای متعلمان خود قرار دهد. این راه‌ها هم باید مبتنی بر فطرت باشند تا همه پس از طی این

مسیر بتوانند به حداقلی از توانایی‌ها و توانمندی‌ها برسند. یعنی راه وصل الی... یا الی الکمال به درستی طراحی شود. حالا پس از عرایض مقدماتی که مقداری هم طولانی شد، صحبت من در مورد مجلات عبارت از این مسائلی است که بیان خواهیم کرد.

### هر جا هستیم یک گام به جلو!

کلیت حرف من در زمینه مجلات رشد، این است: یا ایها الذین آمنوا؛ آمنوا.

داستان خواجه عبدا...انصاری را شنیده‌اید. ازدحام مسجد و بالای منبر و اینکه هر کس هر جا نشسته است، یک قدم جلو بیاید. عرض من هم این است که هر کجا هستیم یک قدم جلوتر بیاییم. آفرین و مرحبا بر آنچه در سال قبل انجام داده‌ایم ولی امسال باید نسبت به سال قبل یک گام جلوتر بیاییم؛ همان گونه که سال بعد هم باید نسبت به امسال گام بلندتری برداریم.

ببینیم در سال گذشته چه کرده‌ایم. من اصلاً نظرم این نیست که بی‌رحمانه نقد کنیم، بلکه منصفانه و عادلانه به نقد کارهای خودمان بنشینیم و در صورت نیاز آن‌ها را اصلاح کنیم. حالا اگر فرض را بر این بگذاریم که هیچ اشکالی هم نداریم و همه کارهایی هم که انجام داده‌ایم خوب و رو به کمال بوده است، باز هم جای بهتر و بیشتر کار کردن هست.

### همه مجلات باید از اصول واحدی پیروی کنند

من معمولاً مجلات را می‌بینم و بر آن‌ها حاشیه می‌زنم و گاهی اوقات هم که دوستان تقاضا می‌کنند، آن‌ها را در اختیارشان قرار می‌دهم. در مورد برنامه‌ای هم که امسال تهیه کرده‌اید، همین اتفاق افتاده است و من حاشیه‌ای بر آن زده‌ام که آن را برایتان

می‌خوانم. در حاشیه این برنامه نوشته‌ام: این برنامه با همه امتیازاتی که دارد، دارای اشکالاتی است. از جمله اینکه تابع یک برنامه‌ریزی منظم نیست. مثلاً در یک‌جا آمده است «اصول حاکم بر تولید مجله» ولی مثلاً مجله ابتدایی اصولی را مورد نظر قرار داده و مجله ادب فارسی به اصول دیگری توجه کرده است. عنایت دارید که وقتی صحبت اصول می‌شود همه مجلات باید از اصول واحدی پیروی کنند.

مورد دیگر اینکه برخی از مجلات جدول زمان‌بندی دارند ولی برخی ندارند. بعضی مجلات از مصاحبه با افرادی مشخص یاد کرده‌اند ولی برخی، آدم‌ها را مشخص نکرده‌اند. این مجموعه که چارچوب برنامه سالانه مجلات رشد نام دارد، باید آهنگ و منطق واحدی داشته باشد. حاشیه‌های دیگری هم زده‌ام که دوستان ملاحظه خواهند کرد.

### اصولی که باید بر برنامه حاکم باشد

اما از نظر من چه اصولی باید بر این مجلات حاکم باشد؟ اولین چیزی که به نظر من باید مورد توجه قرار گیرد این است که ما باید از سیاست‌های مصوب نظام تعلیم و تربیت تبعیت کنیم. یعنی مجلات رشد، مجلات وزارت آموزش و پرورش هستند و باید از فلسفه حاکم و سند حاکم بر آموزش و پرورش تبعیت کنند و در چارچوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش حرکت کنند. ما به دنبال تحقق سند تحول بنیادین هستیم و مجلات رشد هم باید در همین راستا از اصولی پیروی کنند تا وظایف حرفه‌ای خود را انجام دهند.

این سند از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی ابلاغ شده است و ما به دنبال تحقق آن هستیم؛ بنابراین باید در همه فعالیت‌های رسمی و غیررسمی، برای ما اصل قرار گیرد.

### توجه به رویکرد فرهنگی - تربیتی

نکته دیگری که برای من مهم است و سال‌های قبل هم عرض کرده بودم، رویکرد فرهنگی و تربیتی است و چون رویکرد ما، شکوفایی فطرت است، باید آن را به خوبی دنبال کنیم. یعنی ما باید به علایق، سلیق، نیازها و ویژگی‌های مخاطبان توجه کنیم. یعنی مجله اگر سلیقه مخاطب خودش را در نظر نگیرد، حتی اگر خوب هم تدوین شود، کسی به آن اعتنا نخواهد کرد.

### دوایر متحد‌المرکز و واحد!

یک زمانی در جمع شما از سه دایره یاد کردم. دایره نیازهای مخاطب، دایره امکانات و دایره تشخیص کارشناسانی که در مجلات کار می‌کنند. این سه دایره باید هماهنگ با هم عمل کنند تا مجله‌ای که چاپ می‌شود مورد استقبال مخاطب قرار گیرد و سودمند واقع شود.

البته ما باید آینده را هم رصد کنیم و آدم‌هایی را به تحریریه مجلات بیاوریم که بتوانند ضرورت‌ها و نیازهای آینده را تشخیص دهند و با آینده‌نگاری و آینده‌نگری، نیازهای مخاطب را پوشش دهند.

مطالبی هم که در مجلات چاپ می‌شوند باید به یکی از ضرورت‌های مورد نظر زیر پاسخ دهند:

یا باید به تفکر مخاطب توسعه بدهد، یا قلب او را مطمئن، یا عملش را تصحیح کند.

اگر این اتفاق نیفتد، فقط پوسته ذهن را قلقلک خواهد داد و تأثیر عمیق و واقعی بر مخاطب نخواهد گذاشت.

ما باید روی مخاطب خودمان به‌طور عملی اثر بگذاریم. گاهی اوقات در خانه شاهد هستیم که داخل ظرف‌شویی چند بشقاب



و ظرف روی هم و چند قاشق و چنگال هم بین آن‌ها گذاشته‌اند و یک کاسه سنگین هم روی همگی آن‌ها قرار گرفته است که باعث می‌شود بشقاب‌های زیری بشکنند. همه ما حداقلی از فیزیک را خوانده‌ایم و این مسئله را می‌فهمیم که ظروف نباید در چنین وضعیتی قرار گیرند ولی چرا رعایت نمی‌کنیم؟

دلیل این است که ما به یادگیری مهارت‌های عملی در زندگی توجه نداریم و کتاب‌ها و مجلات ما نسخه‌ای عملی برای مهارت‌های مورد نیاز مخاطبان نمی‌پیچند و در همان سطح دانش و تئوری متوقف می‌شویم. اگر خواندن فیزیک در تصحیح رفتار ما در چیدن کاسه و بشقاب هم اثر نداشته باشد، این چه فیزیک خواندنی است و این دانش قرار است کجا به کارمان بیاید؟ وقتی دقت می‌کنیم، می‌بینیم در عرصه مدیریت و رانندگی هم، وضع همین است. آنجا هم همین‌گونه عمل می‌کنیم و در امور بدیهی هم حاضر یا بلد نیستیم از دانسته‌ها و آموخته‌هایمان استفاده کنیم.

## اجتناب از افراط و تفریط

بحث دیگر من درباره اصلی است که باید مورد توجه قرار گیرد: اجتناب از افراط و تفریط. نه آن سوی خط و نه این سوی خط، بلکه باید خط مستقیم و راه اصلی را بپیماییم و به دامان افراط و تفریط نیفتیم. همان‌گونه که بارها شنیده و خوانده‌ایم: «خیر الامور اوسطها». همان امت وسط و راه میانه باید موردنظر باشد. ما در مجله فیزیک باید از شهدای هسته‌ای و شهید شهریارى در سرمقاله و بحث‌های مختلف سخن بگوییم، ولی اینکه شروع کنیم و در آنجا هم درس اخلاق بدهیم، پسندیده و شایسته نیست و اثرگذار هم نخواهد بود. این را مثال زدم. ما در هیچ مجله‌ای نباید راه افراط و تفریط برویم و باید به مأموریت‌های اساسی مجله و

تکالیف قانونی‌ای که دارد، توجه کنیم.

تفریط هم نباید کرد. اینکه ما یک ژورنال علمی هستیم و باید فقط در همین خطوط حرکت کنیم هم پذیرفته نیست. مطالب مجله باید جامع و مانع باشد؛ یعنی، آنچه را که در حد اعتدال است، داشته باشد و از آنچه ضروری نیست، پرهیز کند.

## اصول و مبانی دینی و اسلامی را فراموش نکنیم

ما کشوری هستیم که بیش از سی سال قبل انقلاب کرده‌ایم و به همه اصول اسلام و انقلاب اسلامی وفاداریم و پرداختن به این موضوع مهم هم، وظیفه‌ای است که هیچ‌گاه نباید از آن غفلت شود. این امر باید در همه مجلات رشد - از کودک گرفته تا تک‌تک مجلات دیگر - نمود داشته باشد.

من موضوعی را مطرح می‌کنم که این را به دوستان روحانی هم گفته‌ام. ما گاهی مسائل را طوری مطرح می‌کنیم که اگر در دوره فتحعلی‌خان قاجار هم بودیم، همان‌گونه مطرح می‌کردیم! پس فرق این زمانه و ضرورت‌های زمان کجا رفته است؟ بعضی اوقات هم به گونه‌ای حرف می‌زنیم که انگار نه انگار انقلاب شده است و جوانان و عزیزان فداکار زیادی هستی و خون خود را برای بالندگی این کشور فدا کرده‌اند. پس اگر افراط بد است، تفریط هم بد است و باید به هر دو سوی این قضیه توجه داشته باشیم و مواظب باشیم که نه از این سو و نه از آن سوی بام نیفتیم.

مثلاً می‌آییم و در مورد بحث انگیزش، مطلبی را از یک کتاب قدیمی از قول «مزلو» مطرح می‌کنیم؛ به گونه‌ای، که انگار هیچ‌کس در این مملکت تا به حال از انگیزش حرف نزده است. این انصاف است؟

مثالی دیگر؛ مجله آموزش قرآن باید با موضوع آموزش قرآن در آموزش و پرورش نسبتی داشته باشد. اینکه نوشته شده باشد



قاری مصر طنطاوی این گونه خوانده است، آیا اولویت و مسئله اول ماست؟ چه کسی گفته است که من باید قرائت طنطاوی را تحلیل کنم؟

پس پرهیز از افراط و تفریط، هم به لحاظ اخلاقی هم به لحاظ اعتقادی و انقلابی و هم به لحاظ علمی، لازم است و باید مورد توجه قرار گیرد.

نکته‌ای هم در باب گرافیک عرض کنم. مسئله‌ای که در باب صفحه‌آرایی و تصویرگری و نقاشی مطرح است، این است که کتاب و مجله را در این امور با هم مقایسه نکنیم.

### مشارکت گروه‌های درسی در مجلات رشد

نکته‌ای هم هست که آقایان کفاش و ناصری باید به آن توجه داشته باشند. دوستان، حتماً گروه‌ها و افراد مرتبط در گروه‌های درسی را در امور مربوط به مجلات مشارکت دهید.

چون بحث بسته آموزشی مطرح است، حتماً این دوستان باید نقش خود را داشته باشند و بتوانند به شما کمک کنند. دوستان در گروه‌های درسی هم باید به نقدهای مجلات رشد درباره کتاب‌های درسی اعتنا کنند و آن‌ها را بشنوند و پشت گوش نیندازند.

در همین بحث گرافیک در مجلات رشد، باید عرض کنم که سراغ خطوط و امور مشکوک نرویم. حالا اینکه در فلان موضوع تمثال و نشانه‌ای از یک معصوم را بکشیم، خیلی جای پرداختن ندارد و بعد هم حاشیه‌هایی خواهد داشت که از همان ابتدا پرهیز از آن پسندیده‌تر است. هر جا که یقین دارید، عمل کنید ولی هر جا تردید دارید، دنبال آن تردید نروید.

به عبارت «مهارت‌های زندگی» واژه آداب را هم اضافه کنید و بدین گونه جامع‌تر به آن بپردازید. ما در حوزه یادگیری، با همین واژه آداب و مهارت‌های زندگی از این موضوع یاد کرده‌ایم.

در همین بحث، به آداب و مهارت‌های اجتماعی و خانوادگی و احکام شرعی بیشتر توجه و حرام‌ها و حلال‌ها را با توجه به ویژگی‌های مخاطب و با احتراز از افراط و تفریط، یادآوری کنید.

### یادآوری هویت ایرانی و اسلامی برای ایجاد اعتماد به نفس در مخاطبان

با یادآوری هویت ایرانی و اسلامی، اعتماد به نفس مخاطبان - چه بزرگسال و چه جوانان - را افزایش دهیم و تقویت کنیم. زمینه پرداختن به این امر هم خوشبختانه در همه مجلات وجود دارد.

به عنوان یک وظیفه انسانی و ملی، نشاط، سرزندگی و امید به آینده را در مخاطبان ایجاد و تقویت کنیم و در همه موارد به عنوان یک زمینه و بستر به آن توجه داشته باشیم.

به انتشار گزارش از پیشرفت‌های علمی کشور - که سرفصل آن را هم دارید - بیشتر بها بدهید و بهتر به آن‌ها بپردازید و آن را هنرمندانه توسعه دهید.

### تاریخ معاصر را از یاد نبریم

به بحث‌های زنده روز بیشتر توجه کنید. دقت کنیم تاریخ، فقط آنچه که گذشته است، نیست. ما در تاریخی زندگی می‌کنیم که اگر هنرمندانه به آن بپردازیم، به دلیل هم‌عصری و هم‌زمانی، برای مخاطب که خودش را متعلق به این تاریخ می‌داند، جذاب و جالب خواهد بود. تاریخ همواره از افشاریه و قاجار و صفویه گفتن نیست و تاریخ معاصر هم باید مورد توجه قرار گیرد.

دقت کنیم که در مطالعات اجتماعی همه‌چیز را دیگران نگفته‌اند. بسیاری از صاحب‌نظران معاصر هم حرف‌هایی برای گفتن دارند که نباید فراموش شوند. ما می‌توانیم در دانش اجتماعی، که به نوعی حرف از علوم انسانی است، مطالب‌مان را

به گونه‌ای بیاوریم که تابعی از اهداف و مأموریت‌های مطرح شده در سند تحول باشد.

در حوزه‌های گوناگون به سیره عملی معصومین (ع) خوب پرداخته‌اید. دست شما درد نکند. در این حوزه به سیره بزرگان دین مانند علما، دانشمندان، شعرا و ادبا و هر کس که می‌تواند الگو باشد، بیشتر توجه کنید.

به مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم باید بیشتر توجه کنیم. آنچه ما در نشریات و مکتوبات خود منتشر می‌کنیم، به نوعی ادبیات معیار است، بنابراین باید این مصوبات را به خوبی و دقت مورد توجه قرار دهیم. البته این یک الزام قانونی است و از باب این که حرمت امامزاده را متولی آن نگه می‌دارد، هم باید مراقب این موضوع باشیم.

### تابع رسم الخط مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی باشیم

رشد کودک، رشد نوآموز و رشد دانش آموز، تابعی از رسم الخط دوره آموزش ابتدایی است. اما از رشد نوجوان و جوان به بعد، تابع رسم الخط مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی هستیم.

آخرین جمله‌ام این است که روابط انسانی درون سازمانی و برون سازمانی - یعنی استان‌ها - و همچنین روابط خانوادگی خود را بیشتر کنیم. بنده افتخار می‌کنم که با شما همکار هستم و انصافاً از مصاحبت با تک تک شما لذت می‌برم.

### صفا و صمیمیت این خانواده را قدر بدانید

امیدوارم این روابط انسانی صحیح و دوستانه ما و این صفا و صمیمیتی که درون این خانواده وجود دارد، روز به روز، همراه با صداقت و صراحت، عمیق تر و بیشتر شود و امیدوارم این صراحت

و صداقت که برای بیان برخی اشکالات و مشکلات احتمالی وجود دارد، هیچ‌گاه به این صمیمیت درونی لطمه نزنند. به قول مرحوم شهید بهشتی، امیدوارم همیشه بتوانیم تلخی برخورد صادقانه را به شیرینی برخوردهای اغراق آمیز ترجیح دهیم و همدیگر را به خاطر برخوردهای انسانی و ملاحظت آمیز بپذیریم و دوست داشته باشیم. شک نداشته باشیم و بدانیم که در سفرهای استانی و در نشست با معلمان و حتی دانش آموزان چیزهایی را به دست خواهیم آورد که بدون انجام این سفرها به دست آوردنی نیست. در آنجا شما می‌توانید بدون واسطه، اثر کار خود را ببینید و اگر فضای صمیمانه بحث و گفت‌وگو فراهم شود، مطالب ارزشمند زیادی به دست خواهید آورد که فقط با سفر و دیدار رو در رو با مخاطبان، دست‌یافتنی است.

البته در کنار این‌ها، باید کارهای پژوهشی و تحلیل گفتمان هم باشد. این امر، نافی آن فعالیت‌ها نیست و در واقع این دو موضوع همدیگر را برای رسیدن به نتیجه بهتر پوشش می‌دهند.